گزارش

از امیرآبادی تا همتی

داوود حشمتی: این فقط عبدالناصر همتی نبود که در مصاحبه اخیرش می‌گوید: «نمایندگان یا پست مدیریتی می‌خواستند یا عضویت هیئت‌مدیره»، همین یک ماه قبل بود که مصطفی میرسلیم، از اعضای سابق مجلس که به اصولگرایان منتسب است، حرف‌هایی به مراتب تندتر زده و گفته بود: «وزرایی که برای استیضاح به مجلس می‌آیند، با کیف‌های پر از هدیه می‌آیند و موقع برگشت کیف‌های‌شان خالی شده است!». دخالت نمایندگان مجلس در انتصابات دولتی، موضوعی است که در سال‌های اخیر به یکی از چالش‌های جدی نظام سیاسی و اداری ایران تبدیل شده است. این مسئله که ریشه در ساختار قدرت و تعاملات بین قوای مقننه و مجریه دارد، با اظهارات اخیر عبدالناصر همتی، رئیس سابق بانک مرکزی و مصطفی میرسلیم، نماینده پیشین مجلس، ابعاد جدیدی یافت. این اظهارات، واکنش تند نمایندگان مجلس را به دنبال داشته و آنها را متهم به توهین به شأن خانه ملت کرده است. درعین‌حال، رجوع به اظهارات گذشته رهبر انقلاب در منع صریح دخالت نمایندگان در انتصابات، به این بحث وزن بیشتری می‌بخشد. در این گزارش به بهانه اظهارات اخیر عبدالناصر همتی و مصطفی میرسلیم این موضوع را بررسی کرده و همچنین به سابقه آن در ماجرای «فیدیلیتی‌گیت» و افشاگری‌های پیشین احمد امیرآبادی‌فراهانی درباره فشار نمایندگان برای استخدام در خودروسازی‌ها اشاره خواهیم کرد. این گزارش با تحلیل این موضوع، علل، پیامدها و تأثیرات بلندمدت آن را بررسی کرده و به اظهارات کلیدی افراد درگیر می‌پردازد.

زمینه تاریخی و ساختاری

دخالت نمایندگان در انتصابات، پدیده‌ای نیست که صرفا به دوره کنونی محدود باشد. این موضوع ریشه در ساختار سیاسی ایران دارد؛ جایی که نمایندگان مجلس به دلیل نقش نظارتی و ارتباط نزدیک با حوزه‌های انتخابیه، اغلب به دنبال کسب نفوذ در تصمیم‌گیری‌های اجرائی هستند. این دخالت‌ها معمولا به شکل توصیه برای انتصاب افراد در پست‌های مدیریتی، استخدام در نهادهای دولتی یا حتی فشار برای تخصیص منابع و پروژه‌ها به حوزه‌های انتخابیه صورت می‌گیرد. چنین رفتارهایی، اگرچه در ظاهر برای پاسخ‌گویی به مطالبات محلی توجیه می‌شود، اما در کل به تضعیف شایسته‌سالاری منجر می‌شود. یکی از اولین نمونه‌های برجسته این موضوع، افشاگری احمد امیرآبادی‌فراهانی، نماینده قم، بود. او در سال‌های گذشته به فشار برخی نمایندگان برای معرفی افراد جهت استخدام در شرکت‌های خودروسازی اشاره کرد. او در مصاحبه‌ای با برنامه دست‌خط به گفت‌وگوی خودش با یکی از مدیران ایران‌خودرو اشاره کرده و به نقل از این مدیر گفته بود: «در این ۱۰ دوره مجلس قبل، فقط هشت هزار نفر از کارمندان ایران‌خودرو را نماینده‌ها معرفی کردند». این در حالی است که ایران‌خودرو کلا ۵۰ هزار کارمند داشت و این میزان حدود یک‌پنجم کارمندان آن را شامل می‌شد.

بنا بر ادعای او تنها یک نماینده ۳۰۰ نفر را برای استخدام در این شرکت معرفی کرده و این افراد به دلیل آنکه از سوی نمایندگان معرفی می‌شدند، باید در سطحی از مدیریت قرار می‌گرفتند و بعدها در همان سطح باقی می‌ماندند. در غیراین‌صورت با تیغ تحقیق و تفحص روبه‌رو می‌شدند.

این موضوع بعدها با ماجرای «فیدیلیتی‌گیت» در سال ۱۴۰۲ که در آن احمد علیرضابیگی، نماینده مجلس، فهرستی از نمایندگان دریافت‌کننده خودروهای شاسی‌بلند (دیگنیتی و فیدیلیتی) در ازای منتفی‌کردن استیضاح وزیر صمت دولت رئیسی منتشر کرد، ابعاد گسترده‌تری یافت.

اظهارات همتی و میرسلیم؛ جرقه‌ای در انبار باروت

عبدالناصر همتی، پس از استیضاح خود به‌عنوان وزیر اقتصاد، بیش از سه ماه سکوت کرد و بعد از معرفی مدنی‌زاده به‌عنوان وزیر، لب به سخن گشوده و درباره جلسه استیضاحش توضیح داد. او در اظهاراتی جنجالی مدعی شد که برخی نمایندگان مجلس از او درخواست انتصاب افراد خاص در پست‌های مدیریتی، مانند مدیرعاملی شرکت‌ها یا عضویت در هیئت‌مدیره مناطق آزاد را داشته‌اند. او گفته بود «صراحتا همه نمایندگان یا پست مدیرعاملی می‌خواستند یا عضو هیئت‌مدیره!». این ادعا، با واکنش تند مجلس‌نشینان روبه‌رو شد، چراکه در آن عبارت «همه» به کار رفته بود. حمیدرضا گودرزی، نماینده الیگودرز، خواستار عذرخواهی همتی یا ارائه اسامی نمایندگان شد و تأکید کرد که این اظهارات به جایگاه مجلس لطمه زده است. قالیباف در ابتدای جلسه علنی روز یکشنبه ۱۸ خرداد ۱۴۰۴ خبر داد که این موضوع را در هیئت‌رئیسه بررسی می‌کند و مدعی‌العموم باید به این موضوع ورود کند. اما مصطفی میرسلیم از آن سوی میز و از سمت نمایندگان مدعی بود که خود وزرا برای دادن امتیازاتی حتی مادی به نمایندگان پیش‌قدم می‌شوند. او ادعا کرد که وزرا با «کیف‌های پر از هدیه» به مجلس می‌آیند و با «کیف خالی» بازمی‌گردند. این سخنان منجر به تشکیل پرونده قضائی علیه او شد. سخنگوی قوه قضائیه، اصغر جهانگیر، تأیید کرد که پرونده‌ای در شعبه ۱۴ بازپرسی برای میرسلیم تشکیل شده است. واکنش نمایندگان به این اظهارات، مشابه واکنش به همتی، یکپارچه و تند بود، به طوری که آنها خواستار ارائه سند شدند. این درخواست، البته به دلیل ماهیت غیرمکتوب چنین توافقاتی، عملا غیرممکن است و به نظر می‌رسد بیشتر به منظور خنثی‌سازی افشاگری‌ها مطرح شده است.

واکنش نمایندگان؛ دفاع از شأن یا فرار از پاسخ‌گویی؟

واکنش نمایندگان به اظهارات همتی و میرسلیم، در حد «قیام یکپارچه» بود. این مسئله نشان‌دهنده حساسیت بالای مجلس به این اظهارات بود. نمایندگان با متهم‌کردن همتی و میرسلیم به توهین، خواستار ارائه اسناد مکتوب شده‌اند، درحالی‌که ماهیت چنین دخالت‌هایی معمولا شفاهی و غیررسمی است. به طور طبیعی می‌توان گفت که گذاشتن قید «همه» درباره نمایندگان نمی‌تواند درست باشد. اما آیا از اساس چنین اتفاقی غیرممکن است؟ بررسی روند گذشته نشان می‌دهد که این موضوع نمی‌تواند دور از ذهن باشد. همچنان که رهبری نه یک بار، بلکه چند بار درباره دخالت‌نکردن نمایندگان در انتصابات تذکر دادند.

اظهارات رهبر انقلاب؛ خط قرمز دخالت

تذکر رهبری به نحوی بود که حتی قالیباف به‌عنوان رئیس در یک گفت‌وگو گلایه نمایندگان را به رهبری منتقل می‌کند. رهبری در دیداری که نمایندگان در سال ۱۴۰۱ با ایشان داشتند، به این موضوع اشاره کرده و گفته بودند: «یک سفارش مؤکد هم بکنم، البته آقای قالیباف حالا که می‌آمدیم، به من گفتند که «شما یکی از این سال‌ها راجع به اینکه نمایندگان درباره انتصاب‌ها و اینها دخالت کنند، یک چیزی گفتید، بعضی از همکاران ما ناراحت شدند؛ بنده ناراحتی شما را که اصلا نمی‌خواهم و نمی‌پسندم، اما شما را هم خیلی دوست دارم، مصلحت شما را می‌خواهم؛ واقعا نباید دخالت کنید در انتصابات! شما وقتی که فرض کنید راجع به فلان مدیرکل، راجع به فلان فرماندار و حتی راجع به استاندار چه مثلا به آن وزیر مربوط پیشنهاد می‌کنید یا احیانا مثلا خدایی ناکرده فشار وارد می‌کنید، این موجب می‌شود که اگر چنانچه آن مأمور بد عمل کرد، آدم نداند یقه چه کسی را باید گرفت، نه مردم بدانند، نه دستگاه قضائی بداند، یقه آن وزیر را باید گرفت که چرا این را گذاشتید؟ یقه این نماینده را باید گرفت که چرا فشار آورده؟» (بیانات، دیدار با نمایندگان ۴ خرداد ۱۴۰۱).

ادامه در صفحه ۳

ارزیابی سناریوهای واکنش تهران در برابر اقدامات ضدایرانی در نشست فصلی شورای حکام در گفت‌وگو با حشمت‌الله فلاحت‌پیشه

آزمونی برای توازن دیپلماتیک

عبدالرحمن فتح‌الهی: نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که تا ساعاتی دیگر برگزار می‌شود، بار دیگر پرونده هسته‌ای ایران را به کانون توجهات بین‌المللی بازمی‌گرداند. این نشست، به دلیل گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال صدور قطع‌نامه‌ای علیه ایران، از منظر رسانه‌ای و سیاسی اهمیتی مضاعف یافته است. محور اصلی بحث‌ها، نه‌تنها فعالیت‌های هسته‌ای ایران، بلکه واکنش‌های احتمالی تهران به هرگونه اقدام تنش‌زا از سوی شورای حکام است. بدیهی است که صدور قطع‌نامه، که احتمالا با فشار کشورهای غربی به رهبری آمریکا و تروئیکای اروپایی (انگلیس، فرانسه، آلمان) پیگیری می‌شود، می‌تواند به تشدید تنش‌ها منجر شود. ایران، که بارها بر صلح‌آمیزبودن برنامه هسته‌ای خود تأکید کرده، چنین اقداماتی را سیاسی‌کاری و مغایر با روح همکاری با آژانس دانسته است. مقامات در تهران هشدار داده‌اند که هرگونه رویکرد غیرسازنده، پاسخی متناسب و هم‌وزن از سوی تهران دریافت خواهد کرد. تحلیلگران دیپلماتیک بر این باورند که واکنش ایران ممکن است طیفی از گزینه‌ها از خروج از NPT گرفته تا سایر گزاره‌ها را شامل شود که به کاهش هرچه بیشتر تعهدات برجامی، تقویت فعالیت‌های تحقیق و توسعه هسته‌ای یا حتی بازنگری در سطح همکاری با آژانس باشد. لذا نشست امروز دوشنبه، آزمونی برای توازن دیپلماتیک میان طرفین است؛ جایی که عقلانیت و پرهیز از تنش، کلید حفظ ثبات منطقه‌ای خواهد بود. پیرو نکات یادشده و برای تحلیل گزاره‌های پیش‌روی تهران، پای گپ‌وگفت با حشمت‌الله فلاحت‌پیشه نشسته‌ایم تا از منظر رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی و تحلیلگر ارشد حوزه بین‌الملل آینده معادلات هسته‌ای ایران را جویا شویم.

جناب فلاحت‌پیشه، تقریبا گزینه صدور قطع‌نامه در نشست فصلی شورای حکام که از امروز دوشنبه آغاز می‌شود قطعی به نظر می‌رسد. هرچند سناریوهای موازی، یعنی ارجاع پرونده به شورای امنیت و فعال‌سازی مکانیسم ماشه هم روی میز است که احتمال وقوع آن کم‌رنگ‌تر به نظر می‌رسد. اما می‌خواهم فتح باب گفت‌وگو با شما از ارزیابی سناریوهای واکنش تهران باشد. به باور شما آیا تهران دست به یک واکنش، هم‌سطح و هم‌وزن خواهد زد یا واکنش، یک پله پایین‌تر خواهد بود؟ اساسا واکنش هم‌سطح و هم‌وزن با صدور قطع‌نامه چه نوع واکنشی خواهد بود؟ آیا نهایتا خروج ایران از NPT کلید خواهد خورد؟

برای اینکه به این سؤال شما پاسخ دهم باید به ترسیم صحنه حال حاضر دیپلماسی هسته‌ای ایران بپردازم. به نظر من اگر امروز تروئیکای اروپایی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دست به تشدید رفتارهای ضدایرانی خود در آستانه نشست فصلی شورای حکام زده‌اند، ناشی از نوع سیاستی است که آمریکا در گفت‌وگو با ایران پیش گرفته است.

به چه معنا؟

به این معنا که دونالد ترامپ و سایر اعضای برجام از آلمان، فرانسه و انگلستان گرفته تا روسیه و چین و حتی بازیگرانی مانند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که نقش نظارتی و فنی را بر عهده دارد را تا سطح یک «ابزار فشار» بر تهران در راستای سیاست چماق و هویج آمریکا تقلیل داده است. به همین دلیل، مشخصا پاریس، برلین و لندن سعی دارند در کنار آژانس با این اقدامات برای خود یک مشروعیت‌زایی دیپلماتیک در پرونده هسته‌ای ایران کسب کنند. پس تروئیکا با علم به اینکه نمی‌توانند یک جبهه تنش دیگری با آمریکا درباره ایران باز کنند، به همین دلیل فشارهای خود را روی تهران متمرکز کرده‌اند.

از سؤال نخست و محور مصاحبه دور نشویم. در این وضعیت سناریوهای موجود برای واکنش تهران چه خواهد بود؟

نه، از مبحث اصلی دور نمی‌شویم. چون همان‌طور که گفتم برای اینکه ببینیم واکنش تهران چیست یا به قول شما اقدام هم‌سطح یا هم‌وزن ایران چه خواهد بود، باید ترسیم درستی از فضا داشته باشیم. شما به قطعی‌بودن صدور قطع‌نامه در نشست امروز پرداختید، اما به نظر من هم در این مقطع، احتمال ارجاع پرونده هسته‌ای ایران از طریق شورای حکام به شورای امنیت کم‌رنگ است؛ چون در آن صورت امکان وتوی چین و روسیه در شورای امنیت وجود دارد. به همین دلیل مسئله مهم ما اکنون فعال‌کردن مکانیسم ماشه است که در این شرایط، وتوی پکن و مسکو موضوعیت ندارد. در صورت فعال‌سازی این سازوکار، تحریم‌ها و قطع‌نامه‌های شورای امنیت به صورت خودکار علیه ایران بازمی‌گردند و اینجا حق وتوی چین و روسیه باطل می‌شود و فرایندی شکل می‌گیرد که تا یک ماه طول می‌کشد. در این مدت شورای امنیت نمی‌تواند قطع‌نامه جدیدی بدهد و تا آن مدت، حق وتو در اختیار آمریکا و اروپا خواهد بود. این روند و سازوکار در متن برجام گنجانده شده است.

جناب فلاحت‌پیشه، دوباره سؤالم را تکرار می‌کنم، واکنش ایران چه خواهد بود؟

اجازه دهید. به نظر من در نشست امروز خبری از موضوع ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت مطرح نیست و صرفا احتمالا تهدید به ارجاع پرونده به شورای امنیت در قطع‌نامه گنجانده شود. به عبارت دیگر، سعی می‌شود تهدید ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت به عنوان یک چماق یا شمشیر داموکلس دیگر روی سر تهران نگه داشته شود. لذا پیرو سؤال مکرر شما، اینکه ایران چه کار باید بکند، من موضوع خروج ایران از NPT را شعار جریان‌های مشخص سیاسی داخلی می‌دانم که در طول سال‌ها و دهه‌های گذشته صرفا به دنبال افزایش هزینه برای کشور بودند و هیچ‌گاه هم در قبال این هزینه‌ها برای امنیت و منافع ملی، پاسخ‌گو نبودند.

پس حشمت‌الله فلاحت‌پیشه معتقد است خروج ایران از NPT کلید نخواهد خورد، حتی در صورت صدور قطع‌نامه؟

بله من فکر می‌کنم در این مقطع این اتفاق شکل نخواهد گرفت و این واکنش هم‌وزن یا هم‌سطح با صدور قطع‌نامه نخواهد بود. اگر موضوع شورای امنیت و فعال‌سازی مکانیسم مطرح باشد، همان‌طور که گفتم سازوکار خاص خود را دارد.

حالا که خروج ایران از NPT را منتفی می‌دانید، سناریوهای دیگر حول چه مواردی خواهد بود؟ یعنی با صدور این قطع‌نامه، ایران به سمت چه اقداماتی می‌رود؟ کاهش نظارت‌ها، کاهش همکاری‌ها، افزایش سطح غنی‌سازی، افزایش ذخایر اورانیوم غنی‌شده، به‌کارگیری تعداد بیشتر سانتریفیوژها و آبشارها و...؟

گزینه‌ها و سناریوها بسیار زیاد است، پس نمی‌توان یک گزینه قطعی داد که واکنش ایران چه خواهد بود. اما من تصور می‌کنم واکنش هرچه باشد فعلا خروج از NPT کلید نخواهد خورد.

اصرار دارم که تحلیل شما را داشته باشیم. به هر حال تحلیل هم سطحی از پیش‌بینی وقایع را با خود دارد.

به نظر من واکنش تهران هرچه باشد آن‌گونه نخواهد بود که میز مذاکره به هم بخورد. فعلا همه طرف‌ها، چه ایران، چه اروپا و چه آمریکا به این میز مذاکره و تداوم گفت‌وگوها نیاز دارند. لذا حتی اگر قطع‌نامه صادر شود، واکنش ایران یک واکنش کنترل‌شده خواهد بود و هنوز می‌توان به یک دور دیگر از مذاکرات بین آمریکا و ایران پس از ارسال پاسخ تهران به بسته پیشنهادی واشنگتن امیدوار بود. یعنی حداقل ما یک دور ششم مذاکرات هم داریم که حساس‌ترین دور هم همین دور خواهد بود. چون تعیین می‌کند که آیا مذاکرات ادامه پیدا خواهد کرد و واکنش آژانس و کشورهای اروپایی در مراحل بعدی چه خواهد بود. لذا آنچه در نشست فصلی شورای حکام و اقدام متقابل تهران اتفاق خواهد افتاد، به بن‌بست کامل مذاکرات منجر نخواهد شد و به معنای شکست گفت‌وگوها نخواهد بود؛ چون هنوز یک فرصت به نام دور ششم وجود دارد. هنوز زود است که از شکست دیپلماسی سخن بگوییم. به نظر من همه طرف‌ها یک فرصت دیگر به دیپلماسی می‌دهند.

همین‌جا توقف کنیم. همواره در گفت‌وگو با کارشناسان سعی دارم بیشتر روی سناریوهای بدبینانه تمرکز کنم تا بدترین شرایط ترسیم شود. پس بدون تعارف اگر برخلاف آنچه تحلیل کردید، شاهد شکست و توقف مذاکرات باشیم، فضا را چگونه تحلیل می‌کنید؟ باز هم قائل به فرصتی برای دیپلماسی هستید؟

در آن صورت باید اذعان کرد بهترین فرصت برای بازیگرانی مانند رژیم صهیونیستی خواهد بود که معادلات را در راستای منافع خود ترسیم کنند. فضای جنگی، تهدید به بمباران تأسیسات هسته‌ای و نوعی آرایش نظامی شکل خواهد گرفت. پس چون شکست مذاکرات به معنای بازگشت به وضعیت طبیعی «هابزی» است، به همین دلیل همه طرف‌ها سعی می‌کنند از رسیدن به این نقطه اجتناب کنند و تمام راه‌حل‌ها، میانجی‌ها و ظرفیت‌ها را در مسیر مذاکرات و حصول توافق به کار ببرند.

درست است که قائل به وجود فرصتی به نام دور ششم مذاکرات تهران-واشنگتن هستید، ولی همین صدور قطع‌نامه چه تبعاتی دارد؟ بی‌شک دور ششم نمی‌تواند بدون تأثیرپذیری از آن باشد؟

نکته شما درست و به نظر من، صدور قطع‌نامه نوسان جدی در مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا ایجاد خواهد کرد، اما فعلا بن‌بست قطعی در گفت‌وگوها به وجود نخواهد آورد؛ چون همان‌گونه که گفتم و دوباره تکرار می‌کنم همه طرف‌ها به تداوم این مذاکرات نیاز دارند. ولی این را هم بگویم که ایالات متحده سعی خواهد کرد همین قطع‌نامه نشست فصلی شورای حکام را که از امروز دوشنبه آغاز می‌شود، به‌عنوان یک اهرم فشار دیگر بر تهران در آستانه مذاکرات دور ششم مذاکرات تبدیل کند.

ولی وقتی میز مذاکره به قول شما خلوت شده و فقط گفت‌وگوها بین دو طرف اصلی، یعنی ایران و آمریکا پی گرفته می‌شود، معادلات هسته‌ای رنگ و بوی دیگری دارد که می‌تواند...

این گفته شما زمانی درست بود که ایران هم در خلوت‌کردن میز مذاکره دخیل بود؛ یعنی خواست و تمایل تهران هم خلوت‌شدن میز مذاکره بود.

نیست؟!

قطعا نیست.

چرا؟

چون پای دیپلماسی اقتدارگرایانه ترامپ در میان است که سعی دارد خود را محور و کانون معادلات پرونده هسته‌ای ایران کند. پس آن زمان که ایران ابزارها و اهرم‌های فشار و برگ برنده‌های بیشتری در اختیار داشت، می‌توانست میز مذاکره را خلوت کند و صرفا با طرف آمریکایی، گفت‌وگوهای هسته‌ای را پیش ببرد و در آن مذاکره عمل‌گرایانه و دوجانبه بود که می‌شد اهداف خودمان را به شکل پررنگ‌تری پیش ببریم. اکنون ما شاهد خلوت‌شدن میز مذاکره به خواست آمریکا هستیم. تکرار می‌کنم در این شرایط همه چیز به سطح یک اهرم فشار در دست آمریکا علیه ایران تبدیل شده است. خود تروئیکای اروپایی، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، گروسی، صدور قطع‌نامه، شورای امنیت، شورای حکام و حتی روسیه و چین هم فقط اهرم فشار واشنگتن علیه تهران هستند. ما پنج سال پیش باید میز مذاکره را خلوت می‌کردیم، نه الان که به خواست آمریکا میز خلوت شده است. در این پنج سال و مشخصا در دو مقطع می‌توانستیم توافق را به نتیجه برسانیم، اما آن مذاکرات و منافع ایران قربانی مطامع برخی از اعضای برجامی شد.

به قبل بازنگردیم، چون شرایط فعلی را که تغییر نمی‌دهد. واقعا بازخوانی آنچه گذشت دوای درد امروز نیست. به هر حال میز خلوت شده است و دیگر احتمال قربانی‌شدن منافع ایران یا مذاکرات و توافق احتمالی پای منافع دیگر بازیگران وجود ندارد.

اتفاقا باید گذشته را یادآوری کرد که تجربه و درس عبرت برای آینده باشد. اگر از گذشته درس نگیریم، دوباره آن را تکرار خواهیم کرد. دوباره یادآور می‌شوم میز به دلیل دیپلماسی اقتدارگرایانه ترامپ خالی شده و در این شرایط است که اکنون اتفاقا تهران سعی دارد برای خروج از بن‌بست، سایر بازیگران را وارد معادلات هسته‌ای البته در قالب میانجیگر کند. یعنی میز را دوباره شلوغ کند، کمااینکه دیدیم حتی مصری‌ها هم وارد پروسه دیپلماسی هسته‌ای ایران شدند. ولی باید این را هم در نظر گرفت که دیپلماسی اقتدارگرایانه ترامپ، میز را به شکلی خالی خلوت کرده است که امکان بازگشت این بازیگران وجود ندارد. حالا که این را پرسیدید بگذارید یک آسیب‌شناسی داشته باشیم. واقعا یکی از ضعف‌های جدی و مفرط سیاست خارجی ایران که به‌عنوان یک آفت در طول سال‌ها و دهه‌های گذشته عمل کرده، «تصمیم‌گیری دیرهنگام یا نابهنگام» بوده است. اگر در همان ابتدای جنگ اوکراین، ایران به هر قیمتی مذاکرات را تا حصول توافق ادامه می‌داد، اکنون روسیه، اروپایی‌ها و آمریکا به حدی درگیر بحران جنگ اوکراین می‌شدند که عملا پرونده هسته‌ای ایران در حاشیه قرار می‌گرفت و دیگر این موضوع به محور و کانون توجه آنها تبدیل نمی‌شد که بخواهند از پرونده هسته‌ای ایران به‌عنوان یک ابزار یا کارت بازی در جهت منافع خود استفاده کنند؛ چه روس‌ها، چه اروپایی‌ها و چه آمریکا. در طول تمام این سال‌های جنگ اوکراین، حصول توافق جدید و احیای برجام می‌توانست سود سرشاری را متوجه کشور کند، اما متأسفانه تصمیمات دیرهنگام و نابهنگام ما را به این نقطه کشانده که بن‌بست اقتدارگرایانه دونالد ترامپ میز مذاکره را صرفا و صرفا به نفع واشنگتن و خود دونالد ترامپ خلوت کرده است. این جدای از فرصت ازدست‌رفته ما در ماه‌های آخر دولت روحانی بود که در سال ۱۴۰۰ هم می‌توانستیم قبل از جنگ اوکراین، مذاکرات را به نتیجه برسانیم. آن زمان تنها یک امضا تا حصول توافق مانده بود، اما برخی جریان‌های سیاسی و باندبازی‌ها و منافع کاسبان تحریم اجازه احیای برجام را نداد، کمااینکه در دوره مرحوم رئیسی هم چنین اجازه‌ای داده نشد. پس برعکس شما اتفاقا من معتقدم بازخوانی آنچه گذشت می‌تواند چراغ راهی برای مسیر پیش‌رو باشد.

چراغ راه تا کجا؟ تا آنجا که دیگر تهران تمایلی به نقش‌آفرینی کسانی مانند پوتین و مسکو ندارد؟

روی نکته بسیار مهمی دست گذاشتید. اتفاقا من معتقدم تهران دیگر نگاه و اعتماد سابق را به مسکو ندارد، چون کاملا مسجل شده که پرونده هسته‌ای ایران و اساسا منافع ایران به‌عنوان تله‌ای از اهداف روسیه در جنگ اوکراین تبدیل شده است. اما دونالد ترامپ هم می‌داند که معادلات جنگ اوکراین، اضلاع دیگری مانند اروپا، ناتو، روسیه، اوکراین و... دارد. به همین دلیل است که به نظر من دونالد ترامپ در این مقطع پرونده هسته‌ای ایران و مذاکرات و توافق را به شکل کاملا جداگانه‌ای با ایران و بدون حضور هیچ بازیگر دیگری پی می‌گیرد تا آن را به‌عنوان یک موفقیت به نام خود ثبت کند. یعنی ترامپ می‌خواهد پرونده ایران را مستقل از جنگ اوکراین به نتیجه برساند. پس اتفاقا تهران نباید از گفت‌وگوهای تلفنی ترامپ و پوتین یا احتمال سفر پوتین به ایران و ورود مستقیم مسکو به مذاکرات هسته‌ای خوشحال و خشنود باشد، چون همواره موضوع ایران یک مبحث ثانویه برای روس‌ها بوده است و برای دومین بار واقعا امکان دارد که پرونده هسته‌ای و مذاکرات ما و آمریکا مجددا قربانی منافع روسیه در جنگ اوکراین شود. به همین دلیل است که من می‌گویم خود مقامات هم با بازخوانی آنچه گذشت اکنون دیگر تمایل چندانی به نقش‌آفرینی مستقیم روس‌ها ندارند.

واقعا امکان دارد پرونده هسته‌ای و مذاکرات ما و آمریکا مجددا قربانی منافع روسیه در جنگ اوکراین شود؟

بله، امکان آن وجود دارد. به همین دلیل من معتقدم میانجیگری چینی‌ها در مذاکرات هسته‌ای به مراتب برای منافع و امنیت ایران کم‌خطرتر از حضور روس‌هاست.

ولی ریسک حضور پکن در معادلات هسته‌ای ایران با همان متر و معیاری که برای روسیه برشمردید کم نیست. پس بدون تعارف اگر شما منتقد روسوفیل‌ها هستید، باید نگران چینوفیل‌ها هم باشید؛ غیر از این است؟

آنچه گفتید درست است، اما به نظر من مسئله جنگ اوکراین یک مبحث حیثیتی تمام‌عیار برای روس‌هاست و همه چیز را پای آن قربانی خواهند کرد.

یعنی جنگ تجاری آمریکا و چین این‌گونه نیست؟

نه، به نظر من در این مقطع هنوز جنگ تجاری آمریکا و چین حیثیتی نشده است. شاید در آینده این اتفاق بیفتد، اما در این مقطع فعلا تقابل پکن و واشنگتن مانند جنگ اوکراین حیثیتی نشده و همه چیز در حد تقابل تجاری است. لذا ریسک حضور پکن در معادلات هسته‌ای ایران به مراتب کمتر از میانجیگری روس‌هاست.

گزارش

مجمع تشخیص مصلحت نظام در پاسخ به حملات رادیکال‌ها بیانیه صادر کرد:

دفاع از تصویب پالرمو

وحیده کریمی: موضوع بررسی مجدد کنوانسیون‌های بین‌المللی پالرمو (کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی) و CFT (مبارزه با تأمین مالی تروریسم) طی ماه‌های اخیر به کانون توجه جدی در فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور تبدیل شده است. در این میان، نمایندگان منتقد و رادیکال مجلس شورای اسلامی که مخالف خروج ایران از لیست سیاه FATF هستند، به‌شدت با تصویب این لوایح در مجمع تشخیص مصلحت نظام مخالفت ورزیده و استدلال‌های متعددی را مطرح کرده‌اند. این واکنش‌ها در ادامه رفتارهایی است که در نهایت بازی در زمین کاسبان تحریم بوده و موجب تشدید انسداد در مسیر مراودات مالی و تجاری ایران با جهان و حتی کشورهای دوست شده. هرچند لایحه پالرمو در نهایت در مجمع تصویب و ابلاغ شد و لایحه CFT در حال بررسی و طی‌کردن مراحل نهایی خود در مجمع است، اما این نمایندگان از مواضع خلاف منافع ملی خود کوتاه نیامده و همچنان به دنبال اعمال فشار بر مجمع هستند تا مانع تصویب CFT شود. لایحه پالرمو در نهایت در مجمع تصویب و ابلاغ شد و لایحه CFT در حال بررسی و طی‌کردن مراحل نهایی خود در مجمع است، اما این نمایندگان از مواضع خلاف منافع ملی خود کوتاه نیامده و همچنان به دنبال اعمال فشار بر مجمع هستند تا مانع تصویب CFT شوند؛ با توجه به مخالفت بخشی از نمایندگان مجلس با این دو لایحه که درخواست داشتند هر دو لایحه مجددا در مجلس شورای اسلامی بررسی شود، بر نواقص و ایرادات تکراری آن تأکید کرده و حتی در نامه‌ای جمعی خطاب به مجمع، ابهامات و اشکالات خود را اعلام کرده‌اند. اما در واکنش به این هجمه‌ها، کمیسیون حقوقی و قضائی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام به صورت رسمی و مستند در قالب بیانیه‌ای جامع، مفصل به ایرادات و شبهات مطرح‌شده پاسخ داده است تا ابهامات و سوءتفاهمات موجود را رفع کند و تأکید کند مخالفت‌ها از ناآگاهی منتقدان است.

سابقه موضوع و روند قانونی

کنوانسیون پالرمو از سال ۲۰۰۰ توسط سازمان ملل متحد تصویب و به امضای ۱۲۳ کشور از جمله ایران رسیده است و هم‌اکنون ۱۹۲ کشور آن را تصویب کرده‌اند. لایحه الحاق ایران به کنوانسیون پالرمو در تاریخ ۱۸ آذر ۱۳۹۲ بنا به پیشنهاد وزارت امور خارجه به تصویب هیئت وزیران و سپس در تاریخ ۴ بهمن ۱۳۹۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. اما با اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس در نهایت راهی مجمع شد. مجمع تا سال ۱۴۰۰ به تصمیم نهایی نرسید اما پس از انتخاب پزشکیان به عنوان رئیس‌جمهور در سال ۱۴۰۳ و با درخواست ایشان از رهبر انقلاب و موافقت معظم له با بررسی مجدد موضوع، مصوبه مجلس درباره کنوانسیون پالرمو و سی‌اف‌تی برای بار سوم در دستور کار مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفت و بررسی آن از دی‌ماه سال گذشته در کمیسیون مشترکی که به همین منظور در مجمع تشکیل شده بود آغاز شد. در این مرحله از رسیدگی، ایرادات هیئت عالی نظارت، طی سه‌ماهه پایان سال گذشته در دبیرخانه مجمع و سپس در کمیسیون مشترک و با حضور تعدادی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد بررسی قرار گرفت و این کمیسیون با توجه به مفاد «شروط» مجلس شورای اسلامی در تصویب و اجازه الحاق به کنوانسیون مخصوصا شرط بسیار مهم و تعیین‌کننده «تفسیر و اجرای مفاد کنوانسیون بر اساس قوانین کشور به‌ویژه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، شروط مذکور را رافع ایرادات و نگرانی‌های مطروحه از ناحیه هیئت عالی نظارت تشخیص داد و شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در جلسه چهارشنبه مورخ ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ با اکثریت بیش از سه‌پنجم کل اعضا، بر همین تشخیص کارشناسی کمیسیون مشترک صحه گذاشت و بدین ترتیب مصوبه مجلس شورای اسلامی در الحاق جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون مورد تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفت.

صلاحیت مجمع نسبت به مصوبه مجلس:

حسب مفاد اصل ۱۱۲ قانون اساسی، اجابت درخواست رسیدگی مجدد در مجلس درخواستی ناممکن است.

ادامه در صفحه ۳